



نسبت همگرایی اجتماعی و توسعه: مورد مطالعه استان هرمزگان

* پرویز سالاری سردری ** اباذر اشتري مهرجردی *** اکبر اشرفی
* دانشجوی دکتری تخصصی گروه جامعه شناسی گرایش سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. نویسنده مقاله
parviz.salari@iau.ir
** استادیار گروه مطالعات اجتماعی علم و فناوری موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی. تهران، ایران. نویسنده مسئول
ashtari@iscs.ac.ir
*** استادیار گروه علوم سیاسی واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
kbr.ashrafi@iauctb.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

چکیده

امروزه، مساله مدرنیته و سست شدن وحدت نمادین که نظام های پادشاهی، مذهب، احساس تعلق به کشور و دیگر عوامل ایجاد می کرد، باعث گردیده تا همگرایی اجتماعی به یک مساله اجتماعی، فرهنگی هم در سطح خرد و هم در سطح کلان و نهایتا عامل پیش برنده و بازدارنده توسعه بدل گردد. در این مقاله سعی بر آن دارد که با ارائه شواهد کمی و تلفیق یافته های پژوهشی چشم انداز کلی این حوزه بر ساخت کند. بر همین اساس مهمترین هدف ما در این مقاله بررسی کیفی نسبت میان همگرایی اجتماعی و توسعه در استان هرمزگان است.

در این مقاله با روش تحلیل مضمون می خواهیم نشان دهیم که چگونه با کاهش واگرایی های موجود و تقویت همگرایی اجتماعی امکان فراروی از وضع موجود و دستیابی به توسعه فراهم خواهد آمد. بر همین اساس مهمترین یافته های ما در دو بخش مولفه ها و اهمیت همگرایی اجتماعی در توسعه (شامل ۹ مورد تکیه بر نقاط مشترک و پرهیز از حاشیه ها- به رسمیت شناختن تمام اقوام و مذاهب و توزیع عادلانه خدمات و امکانات- آینده نگری و میزان صداقت و فرهنگ شهری- تمایل به حفظ آرامش در زندگی فردی و اجتماعی- همبستگی و سرمایه اجتماعی- تداوم احترام به مذاهب از قدیم- همزیستی و همگرایی اقوام و مذاهب- اعتماد عمومی- مردم خونگرم استان) و تحلیل عوامل توسعه ای و اعتماد سازی در همگرایی اجتماعی (شامل ۱۰ مورد عدم دور افتادگی از مناسبات سیاسی و فرهنگی- داشتن سهم اقوام در خدمات دولتی- توزیع امکانات بدون در نظر گرفتن رفتار سلیقه ای- توزیع سمت بر حسب لیاقت و شایستگی- حل شکاف اجتماعی اقتصادی میان بومیان و غیربومیان- توسعه زیرساخت ها و امکانات معیشتی- توجه بر عدالت بهداشتی- خدمات درمانی در منطقه- توسعه متوازن بر اساس منافع جمعی- حل محرومیت های چندجانبه- ایجاد اعتماد میان مردم و دولت و حل بدبینی ها) ارائه شده است.

واژه های کلیدی: توسعه، همگرایی اجتماعی، واگرایی قومی و مذهبی، همگرایی قومی و مذهبی.

نوع مقاله: علمی

۱- مقدمه و طرح موضوع

مردمان سرزمین خود هستند تا از این طریق یکپارچگی در سطح ملی دست یابند [۱]. هویت قومی نیز همچون هویت ملی، بخشی از هویت کلی فرد را تشکیل می دهد. ایران کشوری باتنوع فرهنگی و قومی بسیار است.

یکی از مهمترین ستون های توسعه در هر کشوری، وفاق و انسجام اجتماعی، داشتن احساس تعلق و تعهد بالا به ارزش ها و میراث فرهنگی یک جامعه است؛ از این رو همه دولت ها در پی شناساندن تاریخ و فرهنگ خود به

نویسنده عهده دار مکاتبات: اباذر اشتري مهرجردی Ashtari@iscs.ac.ir

مطالعات انجام شده در سطح ملی درباره اقوام نشان می‌دهد که برخی از اقوام احساس نابرابری قومی قوی‌تری نسبت به دیگران دارند. و این احساس ممکن است به حالتی از بی‌زاری نسبت به قومیت‌های دیگر بینجامد. هویت قومی به طور کلی یک قضیه اجتماعی است که هم با اهمیت بودن آن و احساس برتری آن تأثیرات منفی برای انسجام ملی و در نهایت گرایش به خودمختاری و تحجر هویت و نگرش بسته و محدود به تغییرات دارد و هم کم اهمیت بودن هویت قومی پیامدهایی دارد؛ از جمله احساس طرد در مقایسه با سایر اقوام و در نهایت احساس بیگانگی و نابودی سرمایه فرهنگی است [۲]. بنابراین انسجام مقوله‌ای است

اجتناب‌ناپذیر، سیال، نسبی و خودجوش که با همفکری، همیاری و هماهنگی داوطلبانه افراد جامعه در مناسبات گوناگون فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پیش روی افراد قرار می‌گیرد. انسجام موقعیتی است که در آن افراد جامعه با تعهدات مشترک اجتماعی و فرهنگی به یکدیگر پیوند می‌خورند. انسجام اجتماعی در حوزه تعاملی معین، شکل و معنا پیدا می‌کند. گوناگونی و تنوع جامعه ایرانی، به انحای مختلف، بر امکان و استعداد برقراری انسجام اجتماعی تأثیر گذاشته است. امروزه از مفهوم انسجام ملی و اجتماعی به عنوان اهرمی توفیق آفرین و اساس هویت و اعتبار جامعه، اقبال فراوانی شده است (فرهمند و همکاران، ۱۳۹۴). شکاف‌های قومی، مذهبی و زبانی به دلیل ماهیت هویتی‌شان، از آنجا که منشأ خواسته‌هایی است که تحقق آنها از طریق گفتگو بسیار مشکل و در مواردی غیر ممکن است، می‌توانند منشأ به خشونت کشیده شدن قلمرو سیاست و ناپایداری نظام سیاسی باشند. بررسی وضعیت جوامع ناهمگن نشان می‌دهد که شکاف‌های قومی، مذهبی و زبانی یکی از مهمترین منابع کشمکش و منازعه سیاسی در آنها بوده است. تنها جوامعی که روند ملت‌سازی را به شیوه موفقیت‌آمیزی تجربه کرده‌اند، توانسته‌اند شکاف‌های قومی، مذهبی و زبانی را کم اثر نمایند. در این جوامع خشونت‌های سیاسی به تدریج جای خود را به مشارکت‌ها و پیکارهای سیاسی نهادینه شده و غیر خشن داده‌اند. با تثبیت شکاف‌های اجتماعی، به تدریج از فعالیت مخرب آنها کاسته شده و مشارکت سیاسی شکل نوینی به خود گرفته است [۳].

استان هرمزگان یکی از استان‌های مرزی کشور است که به واسطه بافت خاص سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ژئوپولیتیکی که دارد با تحولات عمده‌ای در زمینه بروز بحران‌های ناحیه‌ای در تاریخ خود روبرو بوده است که نیاز به افزایش همگرایی اجتماعی در این بخش از کشور بشدت لازم و دارای اهمیت است. برخی از عوامل همگرایی شامل: اشتراک در لایه‌های مختلف خصیصه‌های بخش مرکزی، ریشه تاریخی مشترک، فرهنگ مشترک ملی، مفاخر، دین و مذهب، آرمان سیاسی مشترک، نمادهای ملی، اقتدار حکومت مرکزی و تهدیدات خارجی است. همان‌گونه که هم‌گرایی اجتماعی موجب امید و رشد و توسعه در جامعه انسانی شده و بستر و زمینه را برای رسدن و شکوفایی فرهنگی، هنری و اقتصادی فراهم می‌سازد، واگرایی اجتماعی سبب فروپاشی جامعه شده و تفرقه و شکاف را در نهادهای اجتماعی پدیدار می‌نماید و به دنبال آن ناامیدی و نابسامانی و آشفتگی را جایگزین امنیت و آرامش می‌کند [۴].

با توجه به اینکه این استان زیستگاه اقوام گوناگون و مذاهب مختلف است، مسائل قومی و مذهبی بارزتر است. برخی مطالعات انجام شده درباره اقوام نشان می‌دهد که برخی از اقوام و مذاهب احساس نابرابری و نارضایتی قومی قوی‌تری نسبت به دیگران دارند. بررسی عوامل موثر بر همگرایی اجتماعی، بدلیل فرصت‌ها و تهدیدهای موجود در استان هرمزگان از اهمیت خاص برخوردار است و مساله اصلی پژوهش بررسی نقش مناسبات قومی و مذهبی در قالب همگرایی اجتماعی بر توسعه منطقه است تا بتوان امنیت پایدار را در این استان فراهم کرد.

در حالی که تنوع قومی و مذهبی می‌تواند به غنای فرهنگی منجر شود، مدیریت این تنوع به گونه‌ای که از بروز تنش‌ها و تفرقه جلوگیری کند، چالشی بزرگ در راه دستیابی به توسعه محسوب می‌شود. مسئولان و جوامع محلی باید به دنبال راه‌هایی برای تقویت همکاری و درک متقابل بین گروه‌های مختلف باشند تا از این تنوع به عنوان یک نیروی مثبت برای توسعه و پیشرفت استفاده کنند.

در عین حال، استان هرمزگان علیرغم میراث غنی فرهنگی خود با چالش‌های نوسازی و توسعه اقتصادی به ویژه حفظ هویت فرهنگی خود در میان تغییرات سریع مواجه است.

حل مسائل اجتماعی، بر ساخت توافق عمومی، هموارکردن مسیر توسعه و توسعه اجتماعی منجر شود.

از اینرو، شناخت همگرایی اجتماعی و عوامل موثر بر آن نیازمند واکاوی جدی است. با وجود حجم کثیری از مقاله‌ها، کتب و نوشته‌ها درباره سیاستگذاری و مدیریت قومی در ایران، تاکنون تحلیل کلی بر این پژوهش‌ها صورت نگرفته است. در این پژوهش سعی بر این است که موضوع پژوهش براساس تجربه ساکنان در جامعه آماری مورد مطالعه قرار گیرد و سپس با جمع‌آوری شواهد کمی و تلفیق یافته‌های پژوهشی چشم‌انداز کلی ارائه شود.

عدم همگرایی اجتماعی و هویت ملی در ارتباط با کیفیت روابط اجتماعی فرد با نظام کلان اجتماعی است. در صورت تقویت مناسبات و روابط فرد با جامعه، هویت جمعی فرد در سطح ملی شکل می‌گیرد. اعتقاد به ضرورت وجود جامعه ملی، احساس و اعتقاد و تمایل به عضویت در این جامعه و احساس تعلق خاطر مشترک و احساس تعهد افراد به اجتماع ملی از مهمترین ابعاد این مسأله است. اولویت و ارجحیت هویت جمعی هر فردی تابعی از کم و کیف و درجه‌ای از تعلق و وابستگی است که وی به یکی از اجتماعات و گروه‌های عضو دارد.

در این مقاله سعی بر آن دارد که با ارائه شواهد کمی و تلفیق یافته‌های پژوهشی چشم‌انداز کلی این حوزه بر ساخت شود. بر همین اساس مهمترین هدف ما در این مقاله بررسی کیفی نسبت میان همگرایی اجتماعی و توسعه در استان هرمزگان است.

۲- چارچوب تئوریک

در ابتدا به پیشینه و سوابق پژوهشی در این حوزه خواهیم پرداخت.

در بررسی مطالعات تجربی داخلی و خارج از کشور در سه دهه اخیر، می‌توان مطالعات انجام شده را از نظر موضوعی و حوزه توجه، روش تحقیق، از نظر طولی یا مقطعی بودن، از نظر جامعه آماری و نمونه‌هایی از اجتماعات قومی، سطح تحلیل، کمی یا کیفی بودن، تاریخ انجام مطالعه دسته‌بندی کرد. در این مطالعه معیار برای دسته‌بندی مطالعات،

تلاش‌ها برای حفظ سنت‌های فرهنگی و در عین حال ادغام مزایای رشد اقتصادی ادامه دارد. به طور خلاصه، فرهنگ هرمزگان مليله‌ای پر جنب و جوش از تأثیرات تاریخ دریایی، جمعیت متنوع و موقعیت جغرافیایی استراتژیک آن است.

در سال‌های اخیر، توسعه بنادری مانند بندرعباس به عنوان بخشی از برنامه‌های اقتصادی گسترده‌تر، بر پویایی اجتماعی-اقتصادی هرمزگان تأثیر گذاشته است. این توسعه باعث جذب کارگران و مشاغل از سایر نقاط ایران و خارج از کشور شده است و تنوع جمعیتی و فرهنگی منطقه را بیشتر کرده است. در حالی که این امر باعث رشد اقتصادی شده است، اما چالش‌هایی را از نظر ادغام گروه‌های متنوع و حفظ میراث فرهنگی در میان مدرنیزاسیون سریع ایجاد می‌کند. همچنین منطقه شاهد تغییرات جمعیتی تحت تأثیر مهاجرت بوده است که منجر به ترکیبی از قومیت‌ها در مراکز شهری مانند بندرعباس شده است که بافت اجتماعی را بیشتر پیچیده می‌کند. این مهاجرت به پوسیدگی شهری و شکل‌گیری جوامع حاشیه‌نشین در حلی‌آبادها کمک کرده است و نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی را که اغلب با تنش‌های قومی و ینوعی ضدتوسعه تلقی می‌شود، مرتبط است، برجسته می‌کند.^۱

علاوه بر این، مشکلات اقتصادی در استان‌های همجوار مانند سیستان و بلوچستان که با توسعه‌نیافتگی و فقر مشخص می‌شود، پویایی‌های اجتماعی، اقتصادی و قومیتی در استان تأثیر گذاشته است.^۲

در باب اهمیت این مقاله می‌توان گفت سیاست‌های توسعه در ایران، چه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و چه بعد از آن همواره به منظور تنظیم و کنترل روابط گروه‌های قومی، به تدوین سیاست‌های قومی اقدام کرده است. سیاست‌های مزبور به رغم اشتراک در هدف غایی خود که همان انسجام بخشی و ایجاد حس همبستگی در اقوام گوناگون بوده، در برخی از اجزاء، عناصر و شیوه‌های اجرا نقاط قوت و ضعف‌هایی وجود دارد. بنابراین بررسی وضعیت انسجام اجتماعی می‌تواند به

1. <https://iranspaceire.com/en/features/65499/>

2. <https://iranprimer.usip.org/blog/2020/aug/06/irans-troubled-provinces-baluchista>

دسته‌بندی موضوعی است، که در ادامه به جمع‌بندی آنها پرداخته‌ایم. پژوهشگر در بررسی متون داخل و خارج کشور، پژوهشی جامع کیفی و کمی در این خصوص نیافت. به دلیل اکتشافی بودن ماهیت پژوهش و استفاده از پژوهش متوالی اکتشافی که بخش کیفی پژوهش غالب است، این پژوهش فاقد فرضیه است. احتمال دارد پس از پایان بخش کیفی، فرضیه‌هایی مطرح شود که در بخش کمی مورد آزمون قرار گیرد.

جدول ۱. سوابق پژوهش در داخل کشور

ردیف	نویسنده و سال	عنوان	استان	گروه مورد مطالعه	نمونه	شیوه نمونه‌گیری	متغیرهای پژوهش	هویت قومی	مکان	رشته نویسندگان	نوع سند
۱	صفایی و همکاران (۱۴۰۰)	بررسی جامعه شناختی نقش عوامل سیاسی و اجتماع (طرحواره‌های قومیتی) موثر بر ایجاد همگرایی قومی	خوزستان	شهرودا ن ۱۸ تا ۶۵ سال در اهواز	۳۸۴ نفر	تصادفی	پایگاه اجتماعی-اقتصادی، امنیت اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، تنوع قومی، نظارت اجتماعی	بختیار ی-فارس	اهواز	جامعه‌شناسی	کمی
۲	جوکار و همکاران. (۱۳۹۹)	بررسی وضعیت واگرایی و همگرایی اقلیت‌های قومی و مذهبی در کشور (مناطق کرد نشین و بلوچ نشین)	گستره جغرافیایی وسیع	قوم کرد و قوم بلوچ	۳۵۰ نفر	تصادفی	واگرایی قوم کرد، واگرایی قوم بلوچ	کرد و بلوچ	کردستان، کرمانشاه، ایلام، آذربایجان غربی، خراسان شمالی، سیستان و بلوچستان	علوم سیاسی	کمی
۳	رضائیان و همکاران، (۱۳۹۸)	مطالعه جامعه شناختی حوزه های همگرایی و واگرایی هویت ملی و هویت قومی (مطالعه موردی: قوم لک)	لرستان- کرمانشاه- ایلام- همدان	قوم لک	۳۹۷	خوشه ای چند مرحله ای	هویت قومی- هویت ملی- همگرایی- واگرایی- رضایت از زندگی- رضایت از دیگری- قوم مداری- علائق قومی-	مردمان لک ساکن ایران	دلفان- کوهدش- هرسین- کرمانشاه- هلیلان- نهاوند	جامعه‌شناسی	کمی

				احساس محرومیت							
۴	قاصد و همکاران. (۱۳۹۸)	عوامل سیاسی - اجتماعی مؤثر در همگرایی‌های قومی (مطالعه موردی: قومیت‌های شهرستان ارومیه)	آذربایجان شرقی	آذری، کردی، آشوری، ارمنی	۱۵ نفر	هدفم ند	همگرایی قومی، امنیت	قومیت های شهرس تان ارومیه	ارومیه	جامعه‌شناسی	کیفی
۵	برزگر و همکاران، (۱۳۹۸)	نقش سیاستهای قومی و مذهبی در مشارکت اقوام در امنیت، توسعه همه جانبه و همگرایی شمال شرق ایران	گلستان و خراسان شمالی	قوم ترکمن	۵۰ مقاله	تصاد فی	مشارکت سیاسی و اقتصادی، همگرایی	ترکمن	استان گلستان و خراسان	جغرافیا	کیفی
۶	متقی و همکاران، (۱۳۹۶)	مدلسازی همگرایی قومی براساس نیازسنجی مدیران سیاسی و مطالبات شناسی اقوام (مطالعه موردی: استان کردستان)	استان کردستان	مدیران سیاسی و شهروندا ن استان کردستان	۵۴ نفر مدیر سیاسه ی - ۱۸۹ نفر شهرو ند	خوشه ای چند مرحله ای	شاخص‌های (شاخص، تقسیمات کشوری، مشارکت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی)	کرد	کردستان	جغرافیای سیاسی - تاریخ	کمی - کیفی
۷	جهانی و همکاران. (۱۳۹۶)	میزان تاثیر مولفه‌های فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی را بر همگرایی مردم استان‌های کردنشین ایران	آذربایجان غربی - کردستان - کرمانشاه - ایلام	صاحب‌نظر ان و نخبگان محلی و قومی	۹۰ نفر	تصاد فی	مولفه‌های اقتصادی اجتماعی فرهنگی - همگرایی	کرد	آذربایجان غربی - کردستان - کرمانشاه - ایلام	جغرافیای سیاسی	کمی
۸	باصری و همکاران، (۱۳۹۶)	رابطه بین سرمایه اجتماعی و همگرایی	آذربایجان غربی	نخبگان و خبرگان	۱۰۰ نفر	هدفم ند	سرمایه اجتماعی - همگرایی قومیتی	ترک	اورمیه	مدیریت بحران	کمی



									قومیتی در استان آذربایجان غربی		
۹	طلوعی (۱۳۹۵).	رابطه مناسبات قومی و امنیت در استان سیستان و بلوچستان	سیستان و بلوچستان	مقاله	۳۵ مقاله	هدفم ند	امنیت، وها بیت، مناسبات قومی	قومیت های ساکن جنوب شرق ایران	جنوب شرق ایران	علوم سیاسی	تحلیل محتوا
۱۰	امینی زاده و بوستانی (۱۳۹۵).	همگرایی و واگرایی هویت های ملی، مذهبی و جهانی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان)	کرمان	دانشجویان ن	۳۸۰ نفر	خوشه ای چند مرحله ای	هویت مذهبی- هویت ملی- هویت جهانی- مصرف فرهنگی	کرمان	دانشگاه شهید باهنر کرمان	جامعه شناسی	کمی
۱۱	سرور و همکاران. (۱۳۹۳)	تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و احساس همگرایی قومی در شهر ارومیه	آذربایجان غربی	افراد بالای ۱۸ سال از بین اقوام ترک و کرد	۳۷۵ نفر	تصاد فی	همگرایی- تنوع قومی- سرمایه اجتماعی	ترک- کرد	مناطق ۴ گانه شهر ارومیه	جغرافیا و برنامه ریزی شهری	توصیفی- تحلیلی
۱۲	بارسلطان (۱۳۹۴).	بررسی عوامل موثر بر همگرایی قومیت ها با تاکید بر ساختار امنیت کشور ایران	سطح ملی	اقوام ایرانی	۵۶ مقاله	هدفم ند	همگرایی، قومیت، امنیت، امنیت ملی	اقوام ایرانی: فارس، ترک، کرد، لر، بلوچ، عرب	کشور ایران	علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی	تحلیل محتوا
۱۳	نقدی و احمدی (۱۳۹۴).	بررسی جامعه شناختی میزان همگرایی قومیت های (فارس، ترک، لر) استان همدان	همدان	شهروندان ن ۲۰- ۲۴	۳۸۴ نفر	خوشه ای	همگرایی قومی-سن- درآمد- میزان دسترسی به رسانه- میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی- میزان	فارس لر ترک	همدان بهار نهادند	جامعه شناسی سیاسی	کمی

				رضایت از زندگی - میزان سرمایه اجتماعی - وضعیت فرهنگی و ارتباطی - میزان پذیرش اصول شهروندی - میزان احساس محرومیت نسبی						
--	--	--	--	---	--	--	--	--	--	--

جدول ۲. سوابق پژوهش‌ها با موضوع «مطالعه همگرایی اجتماعی با تاکید بر مناسبات قومی و مذهبی» در دیگر کشورها

ردیف	نویسنده	سال	عنوان پژوهش	منبع داده	ابزار	یافته اصلی	بافت پژوهش	رویکرد و روش
۱	Kameel Ahmady	2023	دعای قومیتی در ایران از نظر عدالت و توسعه	اسناد کتابخانه؛ و یک پرسشنامه باز	پرسشنامه ه باز	پدیده محوری ادعای عدالت و شکاف سیاسی - اجتماعی می باشد.	۱۳ استان	کیفی/ نظریه بنیادی
۲	Rachel Xenia Chang, et al	۲۰۲۲	به سوی یک چارچوب مفهومی جامع برای تیم‌های مجازی چندفرهنگی	۲۷۳ مقاله		نظریه هویت اجتماعی به عنوان مهم‌ترین نظریه در این بدنه شناخته شده است	SPACEoS	تحلیل محتوای کیفی (SLR)
۳	Zabala et,al	۲۰۲۰	هویت قومی باسک و توانمندسازی جمعی	۷۴۸ نفر		هویت اجتماعی (یا ادغام هویت) اثرات منفی درک گروه را به عنوان یک اقلیت زبانی خنثی می‌کند.	باسک	پژوهش مقطعی
۴	MADDUX .et,al	۲۰۱۹	تجارب چندفرهنگی			تجربیات چندفرهنگی		مرور سیستماتیک



		عمیق‌تر فرآیندهای یکپارچه‌ای ایجاد می‌کند						
مروری	دیتابیس	فرهنگ پذیری فرآیندی ضروری برای رشد خلاقیت یک فرد چندفرهنگی		۳۰مقاله	خلاقیت و چندفرهنگی	۲۰۱۸	& Ribeiro Fleith	۵

علیرغم اینکه دیدگاه یکپارچگی اجتماعی فاقد مبنای نظری و تجربی جامع است، چارچوبی مفید برای مطالعات پربار فرآیندهای قومی است. مزیت دیدگاه همگرایی از تمرکز آن بر ابعاد مختلف اجتماعی ناشی می‌شود که در تکامل گروه‌های قومی حیاتی هستند [۶].

از سوی دیگر واژه توسعه از نظر لغوی به معنی بسط یافتگی، درک کردن، تکامل و پیشرفت است گرچه این واژه از قرن هشتم هجری برای توضیح برخی پدیده‌های اجتماعی بکار رفته است، لیکن استفاده وسیع از این واژه به عنوان یک چارچوب تحلیلی برای درک پیشرفت جوامع انسانی، به بعد از جنگ جهانی دوم و در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۵۰ مربوط می‌شود در آن موقع، این واژه مترادف با نوسازی، رشد، صنعتی شدن و برای تعبیرات و اصطلاحات مشابه به کار میرفت توسعه در یک تعریف دیگر به معنی "خروج از لفافه" است، "لفافه" از دیدگاه صاحب‌نظران نسل اول توسعه، به معنی خروج از جامعه سنتی و ارزش‌های مربوط به آن است به اعتقاد آنها برای دستیابی به توسعه باید از مرحله سنتی خارج شد و به تجدد رسید لگویی که مورد توجه افرادی چون "لرنر، شرام و راجرز" بود اما امروزه مفهوم توسعه از دیدگاه بیشتر صاحب‌نظران، همه ابعاد زندگی بشر را در برمیگیرد، توسعه از نیازهای انسانی آغاز می‌شود تا به مسائل مربوط به زندگی معنوی انسان نیز برسد [۷]. امروزه توسعه به شکل‌های متعددی در بین اندیشمندان تعریف و شاخص‌سازی شده است و حتی می‌توان گفت که برداشت افراد از مفهوم توسعه فرآیندی همه جانبه است که معطوف به بهبود تمامی ابعاد زندگی مردم یک جامعه می‌شود. در بررسی روند تحولات و توسعه جوامع بر ابعاد اجتماعی و اقتصادی آن تأکید می‌شود از نظر آدلن و موریس تعریفی شایسته از

در جمع‌بندی پژوهش‌های گذشته حول محور موضوع مورد مطالعه، می‌توان گفت، پژوهش‌های بسیاری از سه دهه اخیر تاکنون به بررسی همگرایی و واگرایی قومی/ مذهبی پرداختند. این پژوهش‌ها هریک از منظر خاصی به تشریح وضعیت واگرایی و همگرایی قومی/ مذهبی توجه داشتند. همچنین، این تحقیقات نشان می‌دهند که در ایران، توجه ویژه‌ای به مسائل قومی و مذهبی در زمینه همبستگی اجتماعی وجود دارد و پژوهشگران سعی در درک و تحلیل عمیق‌تر این مناسبات دارند. این مطالعات می‌توانند به سیاست‌گذاران کمک کنند تا استراتژی‌های بهتری برای تقویت همبستگی اجتماعی در جوامع متنوع فرهنگی ارائه دهند. همگرایی اجتماعی به تمایل به کاهش تفاوت‌ها و تقریب نظریات، فرهنگ‌ها، یا رفتارهای مختلف در جامعه اشاره دارد. همگرایی به فرآیندی اشاره می‌کند که در آن افراد یا گروه‌های مختلف به سمت یک درک مشترک حرکت می‌کنند تا وحدت و هماهنگی بیشتری در جامعه ایجاد شود. همگرایی می‌تواند به عنوان فرایند و هم وضعیت تعریف شود. وضعیت همگرایی یعنی شرایطی که در آن کنشگران به یک اجتماع جدید می‌رسند. فرایند یا فرایندهای دخیل در آن نیز عبارتند از: وسایل و ابزاری که این اجتماع از طریق آن‌ها حاصل می‌شود [۵].

تغییرات مداوم در جوامع معاصر اعضای خود را به چالش می‌کشد تا آماده سازگاری باشند. کنشگران اجتماعی در جست‌وجوی دائمی استراتژی‌های جدید همگرایی هستند و اغلب تمام مهارت‌های خود را متمرکز کنند تا از فرصت‌های موجود استفاده کنند. همگرایی اجتماعی، طرد اجتماعی و سرمایه اجتماعی عوامل تعیین کننده‌ای را پوشش می‌دهند که موقعیت خاصی را در محیط اجتماعی تعیین می‌کنند.

اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیست است که برای رسیدن به توسعه پایدار باید به تعادل بین این سه عامل توجه داشت.

در این میان رویکردهایی برای دستیابی به توسعه تجربه و پیشنهاد شده که به سه رویکرد بنیادین و مرتبط با موضوع مورد مطالعه مان خواهیم پرداخت.

رویکرد توسعه اجتماعی از آن جهت که هدف نهایی اش بهبود شرایط زندگی و بالا بردن سطح رفاه افراد جامعه است و هم از آن جهت که در این مسیر علاوه بر در نظر گرفتن ابعاد اقتصادی که در بالا به آن اشاره شد به ابعاد اجتماعی توسعه؛ از قبیل اهمیت ساختار اجتماعی، تحولات اجتماعی، عدالت توزیعی، یعنی توزیع عادلانه منابع، تعامل انسان و محیط، مشارکت اجتماعی و نهایتاً به توانمند سازی اجتماعی پرداخته است و همچنین به ابعاد فرهنگی توسعه؛ مثل تاکید بر اهمیت ارتقا سطح آگاهی و تاکید بر اهمیت ارزش های انسانی یا مباحث مربوط به گسترش تکنولوژی و رسانه ها و ... را مدنظر قرار داده است.

رویکرد توسعه انسانی، رویکردی انسان محور است، که در جهت بهبود کیفیت زندگی، توسعه فردی و توانمندسازی، افراد را مد نظر قرار داده، که شامل ارتقای سطح آگاهی و دانش، اهمیت ارتقای سطح آموزش و مهارت ها، ارتقای سلامت و بهبود بهداشت و ... را مد نظر قرار میدهد. نهایتاً توسعه انسانی به معنای افزایش سطح توانایی ها، مهارت ها و دانش افراد جامعه است. در زمینه توسعه در منطقه، توسعه انسانی میتواند به معنای ایجاد فرصت ها برای آموزش، آموزش حرفه ای، توانمندسازی و ارتقاء مهارت های شهروندان است تا بتوانند به طور مستقل و خودکفا در جامعه فعالیت کرده و جامعه به سمت توسعه حرکت کند. به طور کلی، توسعه توانمندسازی شهروندان نیازمند توجه به این مولفه ها و ایجاد فرصت ها و شرایط مناسب برای مشارکت فعال و موفقیت آمیز هر قشر، قوم و مذهبی در جامعه است. این موضوع برای ارتقای سطح زندگی و رفاه اجتماعی جامعه بسیار حیاتی و اساسی است.

توسعه مشارکتی به معنای فرآیندی است که افراد جامعه، از جمله هر قشر، قوم و مذهبی، در تصمیم گیری ها و امور مختلف جامعه جهت توسعه شرکت داشته و نقش فعالی در آنها داشته باشند. این امر نیازمند ایجاد فرصت ها و شرایط

توسعه به سادگی امکان پذیر نیست، چرا که سطح بالایی از نابرابری که در برخورداری طبیعی و ساختار اقتصادی، میراث فرهنگی و نهادهای اجتماعی و سیاسی بین نواحی مختلف جهان امروز موجود است، هر تلاشی را در راستای الگویی برای تفکیک جوامع توسعه یافته و توسعه نیافته بی ارزش میکند [۸]. توسعه در کلی ترین مفهوم خود به معنای بهبود کیفیت زندگی بشر است، بنابراین، انسانها ثروت واقعی هر کشور را تشکیل می دهند به عبارتی، مورد توجه قرار دادن انسان به عنوان یکی از زیربنای توسعه این امکان را فراهم می کند تا کشورها با توجه به ارکان کلیدی شاخص توسعه انسانی (درآمد سرانه، امید به زندگی و نرخ باسوادی) در جهت ارتقای سطح کیفی کشورهاشان گام بردارند [۹].

توسعه اگرچه مفهومی پیچیده است و جامعه شناسان بسیاری به آن پرداخته اند و هر یک شاخص ها و مولفه های متفاوتی را مورد توجه و دقت قرار داده اند، اما، در مرکز این تعاریف و تفاسیر متفاوت همواره تاکید بر بهتر شدن یا بهبود و یا بهینه شدن، مشترک است.

در میان رویکردهای مختلف توسعه، چهار دیدگاه کلی وجود دارد؛

دیدگاه ساختارگرایی: این دیدگاه بر این باور است که توسعه نیازمند تغییر در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی است. این دیدگاه تاکید دارد که برای دستیابی به توسعه، باید سیستم های اجتماعی و اقتصادی را تغییر داد.

دیدگاه فرهنگی: این دیدگاه بر این اعتقاد است که توسعه نیازمند تغییر در ارزش ها، باورها و عقاید فرهنگی است. این دیدگاه تاکید دارد که برای توسعه، باید از فرهنگ و هویت محلی استفاده شود.

نظریه توسعه پایدار: این نظریه از دهه ۱۹۸۰ مطرح شد و بر این اعتقاد است که توسعه باید به گونه ای باشد که نیازهای نسل های آینده را نیز برآورده کند. نظریه توسعه پایدار نیز به تحلیل و توجیه توسعه با تاکید بر حفظ مواد طبیعی و محیط زیستی پرداخته است. این نظریه بر این اصل تاکید دارد که توسعه باید به گونه ای باشد که نیازهای نسل های آینده را نیز تأمین کند و منابع طبیعی و محیط زیست را حفظ کند. اصلی ترین مفهوم این نظریه، ارتباط نزدیک بین توسعه

۵- تعریف و نام گذاری مضامین و ۶- نوشتن. این فرایند اولین بار توسط براون و کلارک در تحقیقات روان‌شناسی توسعه یافت (Braun, v., Clarke, 2021) و به واسطه انعطاف‌پذیر بودن در پژوهش‌های کیفی در سایر علوم نیز به کار گرفته شد. مضمون یا تم (Theme) عنصر کلیدی در این روش است. مضمون‌ها پر ارزش‌ترین واحدهایی هستند که در تجزیه و تحلیل محتوا باید مد نظر قرار گیرند و منظور از مضامین معنای خاصی است که از یک کلمه یا جمله یا پاراگراف مستفاد می‌شود. به عبارت دیگر با این روش تلاش می‌شود ضمن تحلیل داده‌های متنی، داده‌های پراکنده نیز به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل شوند و محقق را در جمع بندی فرضیه و تکمیل پژوهش خود یاری کنند. به طور کلی، تحلیل مضمون روشی است برای دین متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند مشخص، تعامل گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ و نهایتاً در صورت نیاز تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی.

۴- یافته‌ها

در این بخش یافته‌های کیفی که به محورهای مهم در نسبت میان همگرایی اجتماعی و توسعه در استان هرمزگان تمرکز دارند، خواهیم پرداخت. تین بخش برگرفته از مصاحبه‌های عمیق با ریش سفیدان، نخبگان اجتماعی و افراد مطلع و اثرگذار منطقه اعم از اقوام و مذاهب مختلف بوده است. بر همین اساس کلیه یافته‌ها در دو بخش مولفه‌ها و اهمیت همگرایی اجتماعی در توسعه و تحلیل عوامل توسعه‌ای و اعتمادسازی در همگرایی اجتماعی ارائه شده است.

مناسب برای مشارکت فعال همه گروه‌ها در فرآیندهای تصمیم‌گیری و انجام فعالیت‌های مختلف است. بر اساس این دیدگاه توسعه مشارکتی زمینه‌ساز توسعه انسانی می‌شود و نهایتاً به توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ختم می‌شود. در این بررسی که در جهت توانمندسازی و همگرایی هر قشر، قوم و مذهبی در منطقه است، مولفه‌های توسعه اجتماعی، توسعه مشارکتی و توسعه انسانی را که نظریاتی اند در راستای توسعه؛ در زمینه ی یافتن مولفه‌های پیش برنده همگرایی اجتماعی به کار می‌گیریم تا نهایتاً به الگویی در زمینه‌ی توسعه برسیم.

۳- روش‌شناسی

یکی از مهم‌ترین ابزارهای روش کیفی، «مصاحبه» است. با انجام مصاحبه و طرح پرسش یا پرسش‌هایی می‌توان نظرات نخبگان اجتماعی و صاحب‌نظران علمی یک حوزه مهم را استخراج کرد. در روش کیفی، مصاحبه عمیق به صورت فزاینده‌ای مورد استفاد قرار می‌گیرد. استفاده از تکنیک مصاحبه در روش کیفی بسیار زیاد است و این تکنیک به یک روش‌شناسی خاص تعلق ندارد. ما در این مقاله پس از گردآوری اطلاعات با ابزارهای کتابخانه‌ای و مصاحبه با نخبگان و خبرگان موضوع مورد نظر، با روش «تحلیل مضمون» یا «تماتیک» نسبت به کدگذاری و تم‌سازی مهم‌ترین مفاهیم و نکات مشترکی که مورد اشاره حداکثر مصاحبه شونده‌گان قرار گرفته خواهیم پرداخت.

روش تحلیل مضمون (تماتیک)، روشی برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی است و غالباً برای مجموعه‌ای از متون پیاده شده از مصاحبه یا بحث‌های گروهی استفاده می‌شود. این روش شامل یک فرایند شش مرحله‌ای است: ۱- آشنایی، ۲- کدگذاری، ۳- تولید مضامین، ۴- بررسی مضامین،

جدول ۳. مشخصات مصاحبه شونده‌گان

ردیف	جنس	حدود سن	موقعیت یا وضعیت شغلی	تحصیلات	شهر
۱	خانم	۳۹	استاد دانشگاه	دکتری تخصصی	بندر عباس
۲	خانم	۴۲	دبیر	کارشناسی ارشد	بندر لنگه
۳	خانم	۵۰	مدیر دستگاه اجرایی	کارشناسی ارشد	بندر عباس
۴	خانم	۴۶	پزشک	دکتری حرفه‌ای	بندر عباس
۵	خانم	۵۲	دبیر	کارشناسی ارشد	قشم
۶	خانم	۵۷	معلم	کارشناسی	میناب

۷	خانم	۳۸	دبیر	کارشناسی ارشد	حاجی آباد
۸	خانم	۶۰	مدرس حوزه علمیه	کارشناسی-حوزوی	بندر عباس
۹	خانم	۶۲	دبیر	کارشناسی ارشد	رودان
۱۰	خانم	۵۵	دبیر	کارشناسی ارشد	بندر خمیر
۱۱	آقا	۴۸	استاد دانشگاه	دکتری تخصصی	بندر عباس
۱۲	آقا	۴۵	دبیر	کارشناسی ارشد	رودان
۱۳	آقا	۵۰	امام جماعت	سطح دو حوزوی	قشم
۱۴	آقا	۵۳	امام جماعت	سطح سه حوزوی	میناب
۱۵	آقا	۵۷	امام جماعت	سطح دو حوزوی	بندر لنگه
۱۶	آقا	۴۱	دبیر	کارشناسی ارشد	بستک
۱۷	آقا	۵۲	استاد دانشگاه	دکتری تخصصی	بندر عباس
۱۸	آقا	۶۹	امام جمعه و عضو خبرگان رهبری	دکتری تخصصی و سطح چهار حوزوی	بندر عباس
۱۹	آقا	۷۱	امام جمعه	سطح چهار حوزوی	حاجی آباد
۲۰	آقا	۷۳	امام جمعه	سطح سه حوزوی	بندر خمیر
۲۱	آقا	۵۲	مدیر اجرایی	کارشناسی ارشد	بخشدار مرکزی بندر عباس
۲۲	آقا	۵۸	مدیر اجرایی	کارشناسی ارشد	بخشدار بندر خمیر
۲۳	آقا	۴۹	مدیر اجرایی	کارشناسی ارشد	بخشدار بندر لنگه
۲۴	آقا	۴۷	مدیر اجرایی	کارشناسی ارشد	بخشدار کهورستان
۲۵	آقا	۵۶	مدیر اجرایی	کارشناسی ارشد	بخشدار فارغان
۲۶	آقا	۴۹	مدیر اجرایی	کارشناسی ارشد	فرماندار بندر خمیر
۲۷	آقا	۵۲	مدیر اجرایی	کارشناسی ارشد	فرماندار بستک
۲۸	آقا	۵۹	مدیر اجرایی	کارشناسی ارشد	فرماندار حاجی آباد
۲۹	آقا	۵۶	دبیر	کارشناسی ارشد	جناح

بطوریکه ملاحظه می شود حدود یک سوم مصاحبه شوندگان خانم با رنج سنی ۳۸ تا ۶۲ سال بوده و مابقی آقایان، با رنج سنی ۴۱ تا ۷۳ سال بوده اند. بجز ۵ نفر (سطح دو حوزه و کارشناسی) مابقی دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر بوده اند که با توجه به تجربیات آنها اطلاعات خوبی را جهت کمک و تقویت بیشتر همگرایی اجتماعی در میان اقدام و مذاهب موجود در استان داده و به توسعه منطقه کمک کرده است.

الف: مولفه ها و اهمیت همگرایی اجتماعی در توسعه

۱. تکیه بر نقاط مشترک و پرهیز از حاشیه ها این اصل، یکی از بنیادی ترین استراتژی ها در مدیریت

تنوع فرهنگی و اجتماعی است. تمرکز بر ارزش های مشترک انسانی، مانند خانواده، کار، تلاش برای زندگی بهتر، و تعلق به یک سرزمین واحد (ایران و به طور خاص بندرعباس)، می تواند پایه ای قوی برای همگرایی ایجاد کند. پرهیز از برجسته سازی و دامن زدن به اختلافات جزئی (مانند تفاوت های مذهبی یا قومیتی که ماهیت ثانویه دارند) و تمرکز بر منافع مشترک، از شکاف های اجتماعی جلوگیری کرده و حس وحدت را تقویت می نماید. این رویکرد، در جامعه شناسی با مفهوم "همگرایی از بالا" یا "همگرایی از طریق منافع مشترک" قابل تبیین است. ۲. به رسمیت شناختن تمام اقوام و مذاهب و ایجاد فرصت مشارکت و توزیع عادلانه خدمات و امکانات این مورد به مفهوم "جامعه چندفرهنگی" و "عدالت



این دو مفهوم، قلب تپنده همگرایی اجتماعی هستند. “همبستگی” به احساس تعلق، وفاداری، و مسئولیت‌پذیری متقابل میان اعضای یک جامعه یا گروه اطلاق می‌شود. “سرمایه اجتماعی” نیز به شبکه‌های روابط، اعتماد، هنجارها و ارزش‌های مشترک اشاره دارد که همکاری و اقدام جمعی را تسهیل می‌کند. هر دو عامل، وقتی در جامعه بندرعباس قوی باشند، به طور طبیعی انسجام و همگرایی میان اقوام را افزایش می‌دهند. تقویت این دو، نیازمند ایجاد و تقویت نهادهای مدنی، فضاهای عمومی و مشارکت‌های اجتماعی است.

۶- تداوم احترام به مذاهب از قدیم این مورد به “تنوع مذهبی تاریخی” و “رواداری مدنی” اشاره دارد. اگرچه بندرعباس با تنوع قومی شناخته می‌شود، اما وجود مذاهب مختلف (عمدتاً شیعه و سنی) که در طول تاریخ با احترام متقابل در کنار هم زندگی کرده‌اند، یک بستر تاریخی مثبت برای همگرایی ایجاد کرده است. “عدم دخالت حکومت” یا دخالت حداقل و بی‌طرفانه در امور مذهبی، به حفظ این رواداری کمک شایانی می‌کند، زیرا دخالت‌های نامناسب می‌تواند به تشدید تنش‌ها منجر شود. این عامل، بر اهمیت “جامعه‌شناسی تاریخی” و “جامعه‌شناسی دین” در درک پویایی‌های اجتماعی تأکید دارد.

۷- همزیستی و همگرایی اقوام و مذاهب این مورد، خلاصه‌ای از عوامل کلان و خرد است که در یک جامعه تأثیرگذارند:

- فرهنگ حاکم: مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارها که در منطقه هرمزگان، به دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی، احتمالاً بر مدارا و همزیستی تأکید دارد.
- گرایش خاص دو مذهب: اشاره به حضور پررنگ دو مذهب اصلی (احتمالاً تشیع و تسنن) و نحوه همزیستی آن‌ها.
- نزدیکی فرهنگی: وجود اشتراکات فرهنگی (مانند زبان، موسیقی، آداب و رسوم) بین اقوام مختلف که می‌تواند به همگرایی کمک کند.
- تعاملات تجاری: نقش بندرعباس به عنوان مرکز تجاری، که موجب ارتباطات اقتصادی و در نتیجه اجتماعی میان اقوام می‌شود.

توزیعی” اشاره دارد. به رسمیت شناختن هویت‌های قومی و مذهبی، نه تنها حقوق شهروندی را تضمین می‌کند، بلکه احساس تعلق و ارزشمندی را در افراد تقویت می‌نماید. ایجاد فرصت‌های برابر برای مشارکت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، و توزیع عادلانه خدمات (مانند آموزش، بهداشت، اشتغال، و زیرساخت‌ها)، از بروز نارضایتی‌ها و احساس تبعیض جلوگیری کرده و زمینه‌ساز همزیستی مسالمت‌آمیز و همگرایی پایدار است. این امر، با نظریه‌هایی چون “نظریه عدالت” راولز و “جامعه‌شناسی شهری” که بر اهمیت عدالت فضایی و اجتماعی تأکید دارد، همخوانی دارد.

۳. آینده‌نگری و میزان صداقت و فرهنگ شهری آینده‌نگری: برنامه‌ریزی بلندمدت برای توسعه شهری که منافع همه اقوام را در نظر بگیرد و از ایجاد شکاف‌های نسلی یا قومی در آینده جلوگیری کند. این شامل برنامه‌ریزی برای اشتغال جوانان، آموزش، و مسکن است. صداقت: شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها، صداقت در گفتار مسئولین و نهادهای، و پایبندی به وعده‌ها، اعتماد عمومی را افزایش داده و زمینه‌ساز پذیرش اقدامات همگرایانه است.

فرهنگ شهری: فرهنگی که بر احترام متقابل، مدارا، مشارکت مدنی، و حل مسالمت‌آمیز اختلافات تأکید دارد، به طور طبیعی به همگرایی کمک می‌کند. این مورد، به مفهوم “فرهنگ سیاسی” و “جامعه‌شناسی شهری” بازمی‌گردد.

۴. تمایل به حفظ آرامش در زندگی فردی و اجتماعی این مورد به “تاب‌آوری اجتماعی و نقش “نظم اجتماعی” و “کنترل اجتماعی” اشاره دارد. تمایل به آرامش، که می‌تواند ناشی از خرد جمعی، درک اهمیت همزیستی، یا حتی ترس از پیامدهای ناآرامی باشد، افراد را به سمت تعامل و تحمل سوق می‌دهد. در کنار این تمایل درونی، “سیستم نظارتی” (رسمی و عرفی) با وضع و اجرای ضوابط، از بروز رفتارهای خشونت‌آمیز و تفرقه‌افکنانه جلوگیری کرده و چارچوبی برای تعاملات ایجاد می‌کند. این تعامل، حتی اگر صرفاً بر پایه تحمل باشد، می‌تواند گامی اولیه برای همگرایی عمیق‌تر باشد.

۵. همبستگی و سرمایه اجتماعی

• همبستگی مذهبی: دو مذهب اصلی در منطقه (مانند شیعه و سنی) دارای اشتراکات الهیاتی، اخلاقی و رفتاری بوده و منجر به همبستگی می شود، این خود یک عامل قوی همگرایی خواهد بود. این همبستگی می تواند بر پایه ارزش های مشترک دینی مانند توحید، نبوت، معاد، و اخلاق نیکو استوار باشد.

• مهاجرپذیری: توانایی یک جامعه در جذب و ادغام موفقیت آمیز مهاجران، چه از سایر نقاط کشور و چه از خارج، نشان دهنده وجود سطحی از تحمل، پذیرش و انعطاف پذیری در ساختار اجتماعی و فرهنگی آن جامعه است. بندرعباس، به عنوان یک شهر بندری و تجاری، به طور سنتی مهاجرپذیر بوده و این ویژگی، بستری برای شکل گیری جامعه ای متنوع و در عین حال همگرا فراهم کرده است.

ب: تحلیل عوامل توسعه ای و اعتمادسازی در همگرایی اجتماعی

۱. عدم دور افتادگی و رها شدگی از مناسبات سیاسی و فرهنگی

این عامل به "مشارکت سیاسی"^۱ و "شمول فرهنگی"^۲ اشاره دارد. وقتی اقوام مختلف احساس کنند که در فرآیندهای تصمیم گیری سیاسی کشور و استان سهمی دارند و فرهنگ، زبان، و سنت های آن ها نادیده گرفته نشده یا سرکوب نمی شود، حس تعلق و وفاداری آن ها به سیستم افزایش می یابد.

• دور افتادگی سیاسی: به معنای عدم دسترسی به مراکز قدرت، نادیده گرفته شدن در انتصابات، یا عدم وجود نمایندگی کافی در نهادهای محلی و ملی است. این می تواند منجر به احساس بیگانگی، محرومیت و حتی طغیان شود.

• رها شدگی فرهنگی: به معنای عدم حمایت از میراث فرهنگی، زبان، یا هویت یک قوم است. وقتی فرهنگ یک گروه به حاشیه رانده شود، اعضای آن گروه احساس می کنند که هویتشان مورد احترام نیست.

• تأثیر بر همگرایی: مشارکت و شمول، احساس "مالکیت" و "مسئولیت مشترک" را در قبال سرنوشت

• همگرایی و همزیستی اقوام: نتیجه مطلوب این عوامل. رفتار سیاسی مسئولین استانی: رویکرد و عملکرد مدیران استانی در قبال مسائل قومی و مذهبی، تأثیر مستقیمی بر میزان همگرایی یا واگرایی دارد. مسئولین باید رویکردی بی طرفانه، عادلانه و حامی همگرایی اتخاذ کنند.

۸- اعتماد عمومی

این مورد به "توازن جمعیتی" و "اعتماد عمومی" اشاره دارد. "نسبت دیگر اقوام" می تواند به اهمیت توجه به گروه های اقلیت و جلوگیری از احساس به حاشیه رانده شدن آن ها اشاره کند. "جلب اعتماد عمومی" یک عنصر حیاتی برای هرگونه تلاش همگرایی است. اعتماد، زمانی حاصل می شود که افراد و گروه ها احساس کنند که منافعشان، حقوقشان و هویتشان مورد احترام است و نهادها و مسئولین صادق و عادل هستند. این اعتماد، بسترساز پذیرش رهبری، همکاری و مشارکت فعال در جامعه است.

۹- خونگرایی مردم استان، ازدواج بین اقوام و مذاهب

• "صفات فرهنگی" جامعه، مانند خونگرایی، مهمان نوازی و گشاده رویی، نقش مهمی در تسهیل پذیرش افراد جدید و ایجاد روابط دوستانه دارند. این ویژگی ها، به ویژه در برخورد با مهاجران یا افرادی که از فرهنگ های دیگر وارد جامعه می شوند، حس تعلق و راحتی را افزایش داده و موانع اولیه را برطرف می کند. این مفهوم با "جامعه شناسی احساسات" و "جامعه شناسی فرهنگی" مرتبط است.

• ازدواج بین اقوام و مذاهب: تکرار این عامل، بر اهمیت فوق العاده آن در پیوند دادن گروه های مختلف تأکید دارد.

• روابط دوستانه و همکاری: این ها نتایج و در عین حال عوامل تقویت کننده همگرایی هستند. وجود روابط دوستانه و فرصت های همکاری، به طور طبیعی حس تعلق و وحدت را افزایش می دهد.

• عدم وجود تعصب اجتماعی: تأکید مجدد بر این عنصر کلیدی، نشان دهنده اهمیت حیاتی آن در موفقیت سایر عوامل است. تعصب اجتماعی، سدی در برابر شکل گیری روابط دوستانه، همکاری و پذیرش در ازدواج است.

1. Political Participation
2. Cultural Inclusion

استان و کشور تقویت می‌کند و زمینه را برای همکاری بین‌قومی فراهم می‌آورد.

۲. داشتن سهم اقوام در خدمات دولتی

○ این مورد به "برابری در دسترسی به خدمات عمومی"^۱ تأکید دارد. منظور این است که در استخدام‌های دولتی، آموزش و پرورش، بهداشت، و سایر خدمات ارائه شده توسط دولت، اقوام مختلف به صورت عادلانه سهم داشته باشند. این با مفهوم "تبعیض مثبت"^۲ یا "جبران نابرابری‌های تاریخی" در برخی کشورها هم‌پوشانی دارد، اما در اینجا بیشتر به معنای عدم تبعیض منفی است. در این میان وقتی یک قوم احساس کند که فرزندان نمی‌توانند به دلیل هویت قومی‌شان در دستگاه دولتی استخدام شوند یا به خدمات اولیه دسترسی داشته باشند، این خود عامل نارضایتی و واگرایی خواهد بود. توزیع عادلانه خدمات، حس عدالت را تقویت کرده و اعتماد به دولت را افزایش می‌دهد.

۳. توزیع امکانات بدون در نظر گرفتن نوع مذهب، عدم رفتار سلیقه‌ای در این زمینه

این عامل به "عدم تبعیض مذهبی"^۳ و "شفافیت در توزیع منابع"^۴ اشاره دارد. دولت باید در تخصیص بودجه، ساخت و ساز امکانات (مانند مساجد، مدارس، بیمارستان‌ها)، و حمایت‌های مالی، مذهب افراد را به عنوان عامل تصمیم‌گیری در نظر نگیرد. رفتار سلیقه‌ای و تبعیض مذهبی، یکی از جدی‌ترین عوامل شکاف اجتماعی و مانع توسعه است. وقتی یک گروه مذهبی احساس کند که به دلیل مذهبش از امکانات عمومی محروم شده است، زمینه برای نارضایتی، اعتراض و حتی تقابل فراهم می‌شود.

۴. توزیع سمت بر حسب لیاقت و شایستگی در استان
این عامل به "شایسته‌سالاری"^۵ و "فرصت‌های برابر" در استخدام و ارتقاء^۶ در مناصب دولتی اشاره دارد. بدین معنا که ملاک انتخاب افراد برای پست‌های مدیریتی و اجرایی، توانایی، تجربه و دانش آن‌ها باشد، نه وابستگی قومی، مذهبی یا قبیله‌ای. وقتی افراد احساس کنند که

تنها شایستگی آن‌ها ملاک پیشرفت است، رقابت سالم و سازنده شکل می‌گیرد و استعدادها شناسایی می‌شوند. در مقابل، انتصاب افراد بدون شایستگی و بر اساس روابط، حس بی‌عدالتی، دل‌سردی و عدم کارایی را در جامعه و به ویژه در میان گروه‌هایی که احساس تبعیض می‌کنند، ایجاد می‌کند.

۵. حل شکاف اجتماعی-اقتصادی میان بومیان و غیربومیان

این عامل به "کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای"^۷ و "ادغام مهاجران"^۸ اشاره دارد. در بسیاری از شهرهای مهاجرپذیر مهاجرپذیر مانند بندرعباس، ممکن است تفاوت‌هایی در سطح درآمد، دسترسی به مسکن، و فرصت‌های شغلی میان ساکنان بومی و مهاجران وجود داشته باشد. این شکاف‌ها می‌توانند به تنش‌های اجتماعی منجر شوند. دولت با سیاست‌گذاری‌های مناسب در زمینه توزیع ثروت، فرصت‌های شغلی، و مسکن می‌تواند این نابرابری‌ها را کاهش داده و حس همبستگی میان همه ساکنان را تقویت کند. احساس بی‌عدالتی در توزیع منابع نیز، یکی از اصلی‌ترین عوامل نارضایتی، اعتراض و واگرایی در هر جامعه‌ای است. وقتی مردم احساس کنند که منابع عمومی به نفع گروه خاصی یا منطقه خاصی مصادره می‌شود، این می‌تواند به سرعت به بحران‌های اجتماعی و امنیتی تبدیل شود.

۶. توسعه زیرساخت‌ها و امکانات معیشتی در بین شهرها و روستاهای استان به صورت برابر و بدون تبعیض
این عامل بر "عدالت فضایی" و "توسعه متوازن منطقه‌ای"^۹ تأکید دارد. منظور این است که سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها (مانند راه، آب، برق، اینترنت) و امکانات معیشتی (مانند بیمارستان، مدرسه، بازار، مراکز فرهنگی) باید به صورت عادلانه در تمام نقاط استان، اعم از شهری و روستایی، توزیع شود و قومیت یا مذهب ساکنان ملاک قرار نگیرد. نابرابری در توزیع امکانات، به ویژه میان مرکز و پیرامون یا مناطق برخوردار و محروم، می‌تواند منجر به مهاجرت‌های ناخواسته، تمرکزگرایی و نارضایتی مناطق محروم شود.

7. Reducing Regional Inequalities
8. Integration of Migrants
9. Balanced Regional Development

1. Equity in Access to Public Services
2. Affirmative Action
3. Non-Discrimination on Religious Grounds
4. Transparency in Resource Distribution
5. Meritocracy
6. Equal Opportunities in Employment and Promotion

جمعی به معنای رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که به نفع اکثریت جامعه باشد و نه تنها یک اقلیت. وقتی پروژه‌های توسعه‌ای بر اساس منافع جمعی تعریف و اجرا شوند، گروه‌های مختلف احساس می‌کنند که از این توسعه سود می‌برند و به همین دلیل، حاضر به همکاری و مشارکت می‌شوند.

۱۰. حل محرومیت‌های چندجانبه

این مورد به "رویکرد چندبعدی به فقر و محرومیت"^۴ اشاره دارد. محرومیت تنها اقتصادی نیست، بلکه می‌تواند شامل محرومیت از آموزش، بهداشت، مشارکت اجتماعی، و حتی کرامت انسانی باشد. تأکید بر "تبادل میان توسعه روستایی و شهر" نیز باز هم به عدالت فضایی و جلوگیری از شکاف‌های شهری-روستایی می‌پردازد. محرومیت، ریشه بسیاری از نارضایتی‌ها و شکاف‌هاست. با حل ریشه‌ای محرومیت‌ها، به ویژه در مناطق روستایی و مناطق کمتر توسعه یافته شهری، حس امید و برابری تقویت شده و زمینه برای همگرایی فراهم می‌آید.

۱۱. ایجاد اعتماد میان مردم و دولت و حل بدبینی‌ها این عامل، یک "عامل فرامحوری"^۵ و بنیادین است که موفقیت تمام عوامل دیگر به آن وابسته است. "اعتماد اجتماعی"^۶ و "اعتماد نهادی"^۷ پایه‌های اصلی یک جامعه باثبات و همگرا هستند. این اعتماد از طریق شفافیت، پاسخگویی، اجرای عدالت، صداقت در وعده‌ها، و مبارزه با فساد ایجاد می‌شود. اگر مردم به دولت اعتماد نداشته باشند و نسبت به عملکرد آن بدبین باشند، هیچ یک از برنامه‌های توسعه‌ای یا سیاست‌های عدالت‌محور، به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. اعتماد، سرمایه اجتماعی است که مشارکت عمومی را تسهیل کرده و تاب‌آوری جامعه را در برابر مشکلات افزایش می‌دهد.

توسعه برابر، حس تعلق به استان را در تمام ساکنان تقویت کرده و از ایجاد "بحران هویت مکانی" جلوگیری می‌کند. تکرار این موضوع نشان‌دهنده اهمیت حیاتی آن است. اگر گروه‌های قومی یا مذهبی خاصی احساس کنند که مناطق آن‌ها به عمد از توسعه عقب مانده‌اند، این می‌تواند به نارضایتی عمیق و واگرایی منجر شود.

۷. توجه بر عدالت بهداشتی-خدمات درمانی در منطقه این عامل به "برابری در دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی"^۱ اشاره دارد. حق دسترسی به خدمات درمانی با کیفیت، یک حق اساسی بشر است. اگر گروه‌هایی از مردم به دلیل موقعیت جغرافیایی، قومیت، یا وضعیت اقتصادی از این حق محروم شوند، این نابرابری می‌تواند سلامت و کیفیت زندگی آن‌ها را به خطر اندازد. بر همین اساس عدالت در سلامت، حس برابری و ارزش انسانی را در میان همه شهروندان تقویت می‌کند. بیماری و ناتوانی، بار سنگینی بر خانواده‌ها تحمیل می‌کند؛ اگر دولت در این زمینه حمایت عادلانه‌ای ارائه دهد، اعتماد عمومی افزایش می‌یابد.

۸. برقراری و ایجاد توسعه یکسان میان شهرهای مرکز و پیرامون استان

این مورد، باز هم بر "عدالت فضایی" تأکید می‌کند و به طور خاص به رابطه بین "شهر مادر" (بندرعباس) و شهرهای کوچک‌تر یا حاشیه‌ای استان می‌پردازد. بسیاری از استان‌ها با پدیده "قطب رشد" مواجه هستند که منجر به تمرکز امکانات و جمعیت در مرکز می‌شود. این عامل به لزوم توزیع متوازن توسعه در کل جغرافیای استان اشاره دارد. بر همین اساس توسعه نامتوازن می‌تواند به پدیده "حاشیه‌نشینی"^۲ در شهرهای کوچک‌تر و روستاهای پیرامونی منجر شود که خود منبع نارضایتی و احساس عدم تعلق است. توسعه یکسان، حس مالکیت جمعی بر توسعه استان را تقویت می‌کند.

۹. توسعه متوازن بر اساس منافع جمعی تکرار این مفهوم برای آن است که این یک اصل کلیدی است که رویکرد "توسعه برای همه"^۳ را مطرح می‌کند، نه توسعه برای گروهی خاص یا منطقه‌ای خاص. منافع

4. Multidimensional Approach to Poverty and Deprivation

5. Meta-Factor

6. Social Trust

7. Institutional Trust

1. Equity in Healthcare Access

2. Marginalization

3. Development for All

منابع

۱. اشتری مهرجردی، ابادر. تبیین عوامل اجتماعی اخلاق کار (مورد مطالعه: اعضای هیات علمی دانشگاه‌های شهر تهران)، نشریه صنعت و دانشگاه. شماره ۵۵-۵۶، (۱۴۰۱).
۲. نواح، عبدالرضا؛ نبوی، سید عبدالحسین و حیدری، خیری، (۱۳۹۵)، قومیت و احساس طرد اجتماعی؛ مخاطرات اجتماعی پیش رو (مورد مطالعه؛ قوم عرب شهرستان اهواز)، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفدهم، شماره ۴.
۳. ربانی، علی و رستگار، یاسر، (۱۳۹۲)، تحلیلی بر وضعیت هویت ملی و ابعاد ششگانه آن در بین شهروندان شهر اصفهان، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۴، شماره پیاپی ۵۰، شماره دوم.
۴. اشتری مهرجردی، ابادر، سالاری، پرویز، اشرفی، پرویز. (۱۴۰۲) صورت‌بندی مطالعات همگرایی اجتماعی طی سه دهه گذشته، نشریه صنعت و دانشگاه. شماره ۵۹.
۵. محمودی، ابوالقاسم؛ افضلی، رسول؛ ذکی، یاشار و یزدان پناه، کیومرث، (۱۳۹۸)، ارزیابی الگوهای سیاستگذاری و مدیریت قومی در ایران، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و ششم، شماره نود و نه.
۶. نوذری، حسین علی. ۱۳۷۶. ضرورت همگرایی جامعه‌شناسی و تاریخ؛ نگاهی به رابطه نظریه اجتماعی و تاریخ. نشریه تاریخ معاصر ایران، تابستان ۱۳۷۶ - شماره ۲. ص ۹۳-۱۲۲.
۷. بیرو، آلن (۱۳۷۵)، "فرهنگ علوم اجتماعی"، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
۸. رضائیان، علی، وثوقی، منصور، ساروخانی، باقر. مطالعه جامعه‌شناختی حوزه‌های هم‌گرایی و واگرایی هویت ملی و هویت قومی (مطالعه موردی: قوم لک). تغییرات اجتماعی - فرهنگی، ۱۶(۲)، ۱۸-۳۶. (۱۳۹۸).
۹. امینی زاده، سینا، بوستانی، داریوش. (۱۳۹۵). همگرایی و واگرایی هویت‌های ملی، مذهبی و جهانی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان). توسعه اجتماعی، ۱۰(۳)، ۱۱۱-۱۳۸. (۱۳۹۵).
۱۰. سباصری، احمد، عباسیان، شیرزاد، کریمی، بهروز. (۱۳۹۶). رابطه بین سرمایه اجتماعی و همگرایی قومیتی در استان آذربایجان غربی. فصلنامه مدیریت بحران و وضعیت‌های اضطراری. ۹(۳۴). ۱۱۵-۱۴۱. (۱۳۹۶).
۱۱. برزگر، نصرت، لطفی، حیدر، حسن آبادی، داود، رضویان، محمد تقی (۱۳۹۸). نقش سیاست‌های قومی و مذهبی در مشارکت اقوام در امنیت، توسعه همه جانبه و همگرایی با تأکید بر ترکمن‌های شمال و شمال شرق ایران. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای). ۹(۳۴). ۴۳۳-۴۵۵.
۱۲. پورجلالی، محمدرضا، (۱۳۹۵)، نقش توسعه سیاسی در همگرایی و واگرایی قومی در ایران (مطالعه موردی: عرب‌های استان خوزستان)، کنگره بین‌المللی علوم اسلامی و علوم انسانی.
۱۳. ترابی، یوسف و مجیدی، یوسفعلی، (۱۳۹۳)، مدیریت شکافهای قومی در کردستان جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۱.
۱۴. جهانی، داریوش؛ عزتی، عزت‌اله و نامی، محمدحسن (۱۳۹۶)، میزان تأثیر مولفه‌های فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی بر همگرایی مردم استان‌های کردنشین ایران، مطالعات ملی، دوره ۱۸، شماره ۶۹.
۱۵. سرور، رحیم، موسوی، میرنجنف، باقری کشکولی، علی. تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و احساس همگرایی قومی در شهر ارومیه (مطالعه موردی: قوم کرد و ترک). فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی. ۷(۱). ۵۵-۶۸. (۱۳۹۳).
۱۶. سیده رویا، بارسلطان، ۱۳۹۴، بررسی عوامل مؤثر بر همگرایی قومیت‌ها با تأکید بر ساختار امنیت کشور ایران، (۱۳۹۴).
۱۷. سیفاللهی، سیف‌اله و حافظ‌امینی، حمیرا، (۱۳۸۸)، برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و تأثیر آن بر واگرایی و همگرایی گروه‌های قومی در ایران، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره دوم.
۱۸. عزیزی، پروانه و آذرکمند، رزا، (۱۳۹۰)، بررسی عوامل واگرایی قوم بلوچ و تأثیر آن بر امنیت کشور. همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان.
۱۹. قاصد، مهدی؛ زنجانی، حبیب‌الله و کلدی، علیرضا، (۱۳۹۸)، بررسی عوامل سیاسی - اجتماعی مؤثر در همگرایی‌های قومی (مطالعه‌ی موردی: قومیت‌های شهرستان ارومیه)، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، دوره ۹، شماره ۳۰.

موردی: شهرستان زابل. فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه ای. ۵(۱۹). ۷۵-۷۰. (۱۳۹۴).

۲۲. نقدی، اسداله، احمدی، امید علی، سلطانی عزت، محمود. بررسی جامعه‌شناختی میزان همگرایی قومیت‌های (فارس، ترک، لر) استان همدان. تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی. ۷(۱). ۱۳۱-۱۵۴. (۱۳۹۴).

۲۰. متقی، افشین، حیدری، جهانگیر، و نیکجو، ایرج. (۱۳۹۶). مدل‌سازی همگرایی قومی بر اساس نیازسنجی مدیران سیاسی و مطالبات شناسی اقوام (مطالعه موردی: استان کردستان). پژوهش‌های جغرافیای انسانی (پژوهش‌های جغرافیایی) ۴۹، (۱۳۹۶).

۲۱. میرلطفی، محمودرضا، علوی‌زاده، سیدامیرمحمد، هدایتی امین، خورشید. بررسی انسجام اجتماعی در حفظ امنیت مرزی با تأکید بر تنوع قومی - مذهبی مطالعه

